

تأملی بر کتاب چالش میان فارسی و عربی سده‌های نخست

زنده و در هم تنیده با واقعیت اجتماعی همپهید شود.

در این منظر، کتاب به شمار زیادی از عوامل اشتراک و روندهای پرزدار، از مترجمان و دبیران گرفته تا فرهنگیان و سلسله‌های آموزشی، در احیای فارسی نقش داشته‌اند؛ از متفکران و ادیبان وزبانه‌های آثاری که در مسیر شکل‌گیری میراث علمی و ادبی میان دوران‌های مختلف گرفته‌اند، همگی در تحلیل نویسنده، جای دارند. این توسعه، یکی از نقاط قوت مهم کتاب است؛ زیرا خواننده می‌تواند به سرنوشت زبان‌ها را می‌توان فقط با ارائه سبب‌های توضیح داد. زبان در زبان‌ها، جامع، سیاسی می‌گردد و از شبکه‌ای از زبان‌ها، منابع، اعتبارات، عادات‌های فرهنگی و ساخت‌های قدرت اثر می‌پذیرد. در حقیقت، بقای یا نبودن رای‌هایی که بهترین واقعیت‌های فرهنگی این دوره هستند، اگرچه بسیاری از دیگران برای مشارکت در جهان علمی و سیاسی زمانه ناکاربر به عربی نویسی بودند، فارسی در میان مردم باقی ماند و از دل همین ماندگاری اجتماعی، توانست به‌دوره زبانی برای ارزش ادبی، روایت، اخلاقی و حتی نگارش این متن علمی و تاریخی تبدیل شود. این نکته را زندگی بسیاری معنادار است؛ زیرا نشان می‌دهد که این قطعی از بالا و به وسیله حکومت تعیین تکلیف نمی‌شود. این اثر گذر قدرت سیاسی را بانی را تقویت کند. دافوم باور یک زبان می‌بازد، می‌فریاد می‌زند و این زندگی مردم، در این میان‌های فرهنگی است و امکان زندگی و به شرایط جدید نیز وابسته است.

نبارشناسی یک فرضیه

این مطالعه، کتاب آذرخش تنها به سبب دادنه اظهاراتش اهمیت نیافته، بلکه به دلیل طرح نظریه‌ای مشخص نیز توجه منتقدان را بازنگریخته است. عنوان اصلی این بحث، مفهوم «طالش» در مورد اصالت نویسنده (چهارم از خواهد از وضعیتی سخن بگوید که در آن، میان فارسی و عربی سخن گفتن یک تنش تاریخی در وجود ناوشی است). بسیاری از منتقدان بر این باورند که خواهد فارسی، اگر با دقت بیشتری برگزیده شوند، بیش از آن که از ستیز و تقابل خبر دهند، حکایت از همزیستی، تقیاس و دوپند فرهنگی و تقسیم کار و توان و زبان دارند. این نقد، موضوع بحث و واژه در عنوان کتاب نیست، بلکه گزافه‌ای جهت برپایی یک تحلیل نرینه‌ست. امروزه، چهاردهی زبان در چارچوب «جانش» هم‌فهمیده شود، این خطر وجود دارد که داده‌های تاریخی نیز در میان افق تفسیر شوند و هر نشانه‌ای از تمایز با ترجیح یافتن به عنوان نشانه‌ای از ناعم فهم در

چند فرهنگی، اغلب براساس الگوهایی پیچیده تر پیش می رود. زبان ها می توانند همزمان با یکدیگر رقابت کنند، از یکدیگر

جالبش میان فارسی و عربی

ساده های نخست

- نویسنده: آذرتاش آذرنوش
- انتشارات: نی
- تعداد صفحات: ۴۰۲ صفحه
- قیمت: ۴۸۰۰۰ تومان

فرا تراز اراده‌های سیاسی

یکی از امتیازهای چشمگیر کتاب «چالش فارسی و عربی» و «سعت نگاه نویسنده» توجه او به سبسترهای گوناگون است که در شکل گیری این نسبت زبانی نقش داشته‌اند. کتاب‌شمار می‌دهد: فارسی و عربی این توان رفتی را چارچوب ادبیات یا زبان‌شناسی ادبی را بررسی کرد؛ باید آن را در پیوند با وضعیت سیاسی این دو فتنه، ساختار اجتماعی، مهاجرت‌ها، تعاملات اجتماعی و غیره مورد قضاوت قرار داد. این ویژگی‌ها، سبب می‌شود که این کتاب، به‌عنوان یک اثر پژوهشی و فکری بیرون آید و به‌زبان پدید آید و صرفاً نظری نباشد.

تأثیر بپذیرند، در حوزه‌هایی متفاوت به کار روند و حتی به شکلی مکمل عمل کنند؛ از این رو، این پرسش جدی مطرح می‌شود که آیا تعبیر «چالش» برای توصیف کلی این رابطه، به اندازه کافی دقیق و متعادل هست یا نه؟

یکی دیگر از انتقادهایی که برکت‌آباد شده، به ماهاجیگر در تعیین زمان آغاز این پالاش بازی کرده. اگر قرار باشد این پدیداری تاریخی با عنوانی مشخص و زمانی مشخص شود، انتظار می‌رود مرزهای زمانی و مکانی تا حد امکان روشن باشند. منتقدان از همین زاویه برکت‌آباد خرد گرفته‌اند و گفته‌اند تاریخ‌روشن‌چالش، نیازمند تعریف تاریخی روشن‌شده شواهد قاطع‌تری است. برکت‌آباد، برخی نقدها متوجه شیوه استنباط نویسنده است، که در ژانر و سبب، فاصله میان، یک فرضیه بازنویسی تاریخی، فاصله میان، موضوع اثر و طرح کند اما هرچه گسترده‌تر باشد، نیاز به شواهد محکم‌تر نیز بیشتری شود. بخشی از منتقدان این باروند که بر بعضی عناصر کتاب آذروشن از برخی فرض‌ها با دیده‌های محل مناقشه برای تقویت نظریه کلی خود بهره گرفته، این که همه دشواری‌های آن فرض را با اندک دقتی برطرف کرده باشند. این مسأله البته ارزش روشنی‌رسانی از میان می‌داند اما نشان می‌دهد که خواننده باید مبدع طرح مسأله و اثبات نهایی تفاوت قائل شود.

واقعیت‌های تاریخی میدان دوزبانگی
از منظر محتوایی، شاید مهم‌ترین استدلال مخالفان این باشد که رابطه فارسی و عربی

بسیار بهتر است در چارچوب تقسیم نقش‌های فرهنگی و فرهنگی همبند، نه صرفاً در قالب اعتراض؛ به بیان دیگر، زبان عربی به‌دلیل جایگاه دینی و علمی‌اش، زبان مطلوب برای برخی حوزه‌های خاص بود؛ همان‌طور که فارسی به‌دلیل پیوندش با بافت اجتماعی و فرهنگی ایران، در حوزه‌های دیگر جایگاهی استوار داشت. این وضع، بسیاری از دانشمندان دهنده ضوابط نوشتار را به زبان دین یا زبان زندگی روزمره یا زبان دانش یا زبان محاوره و غیره سوق داده است؛ بنابراین، مهم‌رئس‌ترین عریبی‌نویس‌های آن‌زمان به‌دلیل این‌که هدف‌های خود را به‌دست‌گیری‌نشد، صرفاً سعی در بازسازی تاریخی‌شان داشت. وجود شماره‌گذاری از دانشمندان نوگنشتندگانه‌نویسانه در برداشت از تقویت این‌که. نخبگان ایرانی به‌دلیل چارچوب اسلامی، در بسیاری موارد، نه‌خود را میان دو زبان محصور می‌دیدند و نه لزوماً این‌که در اضمحلال فرهنگی‌شان پنداشتند. آنان بسته به موضوع، مخاطب، سطح علمی و هدف نوشتار، همچنین فرهنگی یا فارسی‌ای بهره می‌گرفتند. همچنین، عوامل فرهنگی-فراروانی وجود دارد که بر فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی آنان نیز تأثیر داشت. مهاجرت عرب‌ها به ایران، سکونت آنان در شهرهای مختلف، مؤرخین فارسی‌ای از سوی برخی از آنان، اشتراک در ساختار دینی و اداری، ترجمه آثار از فارسی به عربی و از عربی به فارسی، اختلاط خانوادگی و خانوادگی و نیز تأثیرات اجتماعی و سیاسی متقابل، همگی نشان

لگوی ساده تقلیل داد. آنچه در برابر ما فرار دارد، بیشتر نوعی تاریخ تماس زبانی و فرهنگی است که در آن، هم اقتدار وجود

دارد، هم جذب و اقتباس، هم مقاومت و هم سازگاری.

رفع عربی را نشانه فارسی ستیری دانست. در دوره‌ای که عربی زبان مشترک بخش بزرگی از جهان اسلام بود، طبیعی است که بسیاری از متفکران برای انتشار گسترده‌تر اندیشه‌های خود یا برای پیوستن به شبکه علمی زمانه، به عربی بنویسند. این انتخاب می‌توانست کاملاً عملی، علمی یا ارتباطی باشد، نه لزوماً آیدئولوژیک یا هویتی.

دادگاه‌های انبوه و استیضاح فکری

ستاد «چالش میان فارسی و عربی» در کتاب «نخست» اثر راجا و علی از نظر اندازه و گستردگی اما در عین حال، گاهی کتاب حالتی ژورنالیستی چابک‌تر پیدا می‌کند. مقصود این است که انبوهی از شواهد و نمونه‌ها گردآمده را به‌هم می‌زنند و بخش‌ها بی‌پیوند این‌ها را با یک‌دیگر استدلالي کاملاً منسجم می‌سازند و در این مسأله در نظر پژوهشی بزرگ، گاهی امری طبیعی است؛ هر چه دامنه اطلاعات وسیع‌تر باشد، حفظ انسجام تحلیلی دشوارتر می‌شود. اگر بخواهیم منصفانه قضاوت کنیم، باید اذعان کرد که اثرش اصلی کتاب در ایجاد هم‌چنان محفوظات است. این کتاب مسأله‌ای بزرگ و مهم را با جدیت پیش می‌کشد و خواننده را در این کتاب تاریخ زبان را نه در قالب روایت‌های ساده و احساسی، بلکه در دست یافتن، قدرت، فرهنگ، جامعه و تحولات تمدنی، حتی اگر با پیشینه‌هایی از تحلیل و بسند، موافق با تفکیرش، با یک عنوان کتاب «آنا اندازهای چهارم» و بحث‌انگیز بدانیم، باز هم نمی‌توان آن‌را گذر که در طرح این پرسش، خود بسیار راه‌افشاکن است؛ چگونه در این کتاب در جهان تاریخی دوره اول، دوم،

شان عربی به دلیل
زبان مطلوب برای
س بود؛ همان طور
در حوزه‌هایی
تجارت، ادب، وضع،
سومت نیست. در
دین با زبان زندگی
زبان محاوره یکی

ی از آن که صحنه
 می باشد، عرصه
 باشد. وجود شمار
 ی پیسنندگان دوزبانه
 می کند. نخبگان
 ملامی، در بسیاری
 دوزبان محصور
 دشمن دیگری
 به موضوع،
 هدف نوشتن، از
 گرفتند. همچنین
 وجود دارد که بر
 دست زبان.

شهرهای مختلف،
روی برخی از آنان،
نگیری عربی برای
نی و اداری، ترجمه
از عربی به فارسی،
و نیز تأثیر
همگی نشان
را نمی توان به یک
آنچه در برابر ما
تاریخ تماس زبانی و
هم اقتدار وجود

در این رشته قرار داد، رساله‌اش درباره طبقات الشعراء- این معنی بود و این تجربه، او را به روش‌های دقیق پژوهش تصحیح متن آشنا کرد. پس از بازگشت به ایران، در دانشگاه تهران به تدریس پرداخت و بعدها به عنوان اولین مدیر گروه ادبیات عرب شناخته شد. همین پیشینه سبب شد که در کار او، سنت و انشعاب‌های ایران، تجربه زیسته در جهان و آموزش آکادمیک اروپایی به شکلی منظم‌تر در کنار هم قرار گیرد.

میراث آذرشون
 به باغش مهمی از میراث آذرشان آذرشون
 در بیرون از کلاس درس و در نهادهای
 شرکت، گفتگوش، حضور سراسری او،
 مرکز دایره المعارف بزرگ اطلاعاتی، اوست
 به یکی از چهره‌های مؤثر در تولید دانش
 مرجع بدل کرد. او در این مرکز هم مقاله
 نوشتن، هم در ویرایش و منسجم علمی
 نقش داشت و هم در تثبیت زبانی
 و پژوهش محور سهیم بود. تألیف
 حدود ۷۰ مقاله تخصصی، ویرایش ده‌ها
 مقاله و فعالیت در شورای عالی
 داخلی این مرکز، در کارنامه او
 هستند. نشانه‌های نوعی اخلاق علمی اند
 به ترفند، صبوری و پرهیز از شتابزدی
 استوار بود. این بخش از کارنامه او اهمیت
 ویژه دارد، زیرا دانش مرجع معمولاً
 منتهی‌المرکز از کتابخانه پژوهاز دیده می‌شود،
 حال‌ها که نقش آن در ساختن مقاله
 برای جامعه بسیار بنیادی است. حافظه

ابراهیم المصطفیٰ، حاصل دانش فشرده، احتیاط در داور و توانایی در خلاصه کردن مسائل پیچیده است. آرنشوش در این هرصه، صرفاً یک نویسنده یا ویراستار نبود؛ و به استقرار معیاری برای دقت علمی کمک کرد. چنین سبھی در زمانه‌ای که شتاب سطحی نویسی رو به افزایش است، اهمیت، و چونان پدیده می‌گردد. در کنار اینها، آثاری چون «راه‌های نفوذ فرهنگ ایرانی در عصر

تبدیل شده بود؛
ور کرد، نه جهانی
نوش این وضعیت
آموزش زبان پلی
متون، برای درک
یک شدن به تاریخ
هران قرن‌ها با آن

بخش مهمی از میراث آذرباشی آذرشون در بیرون از کلاس درس و در نهادهای علمی شکل گرفت. حضور طوایف آذرشون در مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، از یک سو به یکی از چهره‌های آذرشون مؤثر در تولید دانش مرجع بدل کرد. او در این مرکز هم مقاله نوشت، هم در وب‌پایش و سنجش علمی متون نقش داشت و هم در تثبیت پژوهش دقیق و پراکنده محور سهیم بود.

کتاب‌های علمی که در این سال به بازار می‌آید، به‌تدریج به شکل داد و او خواند، سپس به نگاه سوربن دکتری جایگاهی که او را دارای این درجه

خیل جمعی و در پیوند با سنت فرهنگی پیشه داشته باشد. این نگاه، هم علمی بود و هم دربردارنده نوعی احترام عمیق به تاریخ زبان فارسی. شاید به همین لیل نوشته‌های او برای خواننده صرفاً اطلاع‌بخش نیستند؛ آنها نوعی بازآموزی روشیه نگاه کردن به تاریخ زبان نیز به دست می‌دهند.

در عین حال، به ادبیات عرب نیز با همان دور و احترام می‌نگریست. آذروشن در دهه‌های پیش از این نبود که برای نخستین بار، ناگزیر از تحقیر عربی شوند. برعکس، او عظمت سنت عربی می‌شناخت و درست به همین دلیل توانست نسبت این دو جهان زبانی را به هم نزدیک کند. به واسطه این شناخت، آذروشن به فارسی با شناخت عمیق ادب عربی، یکی از امتیازهای نادر او بود. چنین تعادلی در فضای فکری ما، که استاد به قطعی‌اش سرشار است، شایسته‌ی میل دارد، به گونه‌ی گسترده‌ی نیست.

این همه، آرزویش فقط نظریه‌پرداز است. سبب فارسی و عربی نبود، او آموزش را عربی نیز تفسیح می‌انداخت. دانشمندان و درس نامه‌هایی که نوشت، برای آنسایه‌ها یا مختلف دانشمندان منبع بود، زیرا عربی را از سطح آموزش خویش صرفاً دستوری فراگرفته بود. او به زبان عربی نه فقط به عنوان موضوع امتحان، بلکه به مثابه سبکی بزرگ برای فهم متن، دیدگاه و تاریخ گذشته عربی در آن جهت، سهم او را آموزش نامی در ایران کمتر از آن نظری است. بسیاری از دانشجویان، به او دانشگاه که می‌بیرون از آن، عربی را از خلال نظامی می‌آموختند که آرزویش برای آموزش این زبان طراحی کرده بود: نظم‌ی روشنی، مرحله به مرحله و در عین حال، متنی بر فهم.



پژوهشگر مرزها

تأملی بر کارنامه علمی آذرتاش آذرنوش

و در عین حال، فرمانروایان خود را از کائنات می‌زد؛ از یک سو، روایت‌هایی را از همه چیز را به صورت بیرونی فرموده می‌دادند. از سوی دیگر، نگاه‌هایی که فرسایش یا شایسته‌نمایی بی‌زبان از امور طبیعی و می‌می‌مسائل می‌پدید می‌آورد. این شاکش‌کنش نیروهای پدید آمده می‌انداخت؛ جابجایی که زبان همه از انتقال معناست و همه در حال منزلت اجتماعی از زمین بود، نگاه به جهان منتهی می‌شد که به عنوان یک مجموعه از قواعد یا تارخی بود، نه صرفاً مجموعه‌ای از قواعد یا تارخی. این جهان منتهی می‌شد که تارخ را برای امروز نیز تدوین می‌کرد می‌دارد. دفاع از روش از راهی، دفاعی عاطفی و خطایی نبود؛ دفاعی پژوهش‌محور و تارخی بود. او می‌کوشید نشان دهد که تارخی فارسی نه حاصل تصادف بوده، نتیجه پستوانه فرهنگی دیرپا، حافظه و تمدن ایران و پایداری اجتماعی این زبان است. در نگاه او، زبان و تارخ، یکی رنده می‌ماند که در زندگی واقعی،

فاسقانه زبانی صرفاً مغلوب بود و نه عزیزی را قتل زاری تحمیل؛ هر دو در درون اخلاقی از آن تأثیر و زاری جابجا خورد و تا تاریخ ۱۳۰۱ خ. اخته‌اند. امتیاز کار و در این بود که مسأله از راز سطح ادراقی احساسی به سطح تحلیلی ارتقا داد و به خواننده بابآوری کرد که زبان‌ها در خاندنگی نمی‌کنند بلکه در متن نهاده، مناسبات اجتماعی و ساختارهای فرهنگی معنا می‌گیرند. در برخی از مهم‌ترین نوشته‌ها به پژوهش‌هایش، از جمله در آثاری که به تاریخ فاعل‌های عربی و ایرانی‌داند، آشنوش خواننده روایت‌های ساده‌انگارانه می‌کند. او چوچه می‌داد که مسأله‌انگارانه نمی‌توان فقط با الگوی غالب و مغلوب بود. توضیح داد، که باید دید چگونه زاری و ساختار قدرت، در نه‌هال، کم در آموزش رسمی و در زندگی اجتماعی نقش پیدا می‌کند. همین‌طور زیورکد بود که نوشته‌هایش را و از سطح بحث‌های عاطفی و هویتی فراتر می‌برد و به آنها اعتباری پژوهشی می‌داد.

[illegible]